

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)

سال پانزدهم، شماره ۵۵، پاییز ۱۳۸۴

بررسی وضعیت اقتصادی ربع رشیدی در دوره ایلخانی

دکتر مهدی فرهانی منفرد*

مریم طارم**

چکیده

با حمله مغول بسیاری از مراکز اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از بین رفت. اما به کمک دیوانسالاران ایرانی بخش‌های مختلف کشور بازسازی شد. از جمله دیوانسالاران ایرانی که در این بازسازی نقش مهمی برعهده داشته‌اند می‌توان به خواجه رشید الدین فضل‌الله همدانی وزیر سه ایلخان: غازان، اولجایتو و ابوسعید اشاره کرد. وی علاوه بر اداره امور سیاسی کشور در صدد فرو کاستن و ترمیم اثرات حمله مغول بر ایران بود. تأسیس ربع رشیدی را می‌توان یکی از تلاش‌های او در این زمینه دانست. او با احیای زمین‌های بایر و کشت محصولات کشاورزی به رونق اقتصادی کشور کمک کرد.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)

** کارشناس ارشد تاریخ

ربع رشیدی پس از موقوفات غازان و اولجاتیو مهم‌ترین موقوفه دوره ایلخانی به حساب می‌آید. این موقوفه با داشتن حدود ۳۵۰ تا ۳۷۴ مرتزقه و عمده نسبت به سایر موقوفات دوره ایلخانی امکانات بهتری را برای کارکنان خود فراهم کرده بود. متأسفانه پس از مرگ خواجه رشیدالدین و همچنین بعد از مرگ فرزندش، خواجه غیاث‌الدین رشیدی، مجتمع ربع رشیدی غارت شد. اما خود محدوده ربع رشیدی برای مدتی از نقطه نظر موقعیت آب و هوایی و سوق‌الجیشی برای استقرار بازماندگان دولت ایلخانی محل مناسبی بود. بنا به نوشته مورخان و گزارش‌های سیاحان خارجی بخش‌هایی از موقوفه تا عصر صفویه و حتی در دوره قاجار پابرجا بود. ولی در حال حاضر جز دیوار استحکاماتی و پایه برج‌ها چیزی از آن باقی نمانده در حال حاضر اماکن مسکونی جانشین آن شده است.

واژه‌های کلیدی: ربع رشیدی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی،

ایلخانان، تبریز

مقدمه

با هجوم مغولان به جهان اسلام در سال ۶۱۶ هجری قمری، یکی از ادوار مهم تاریخ ایران، دوره سلطه مغولان، آغاز شد. نویسندگان مسلمان ایلغار مغول را حادثه‌ای دانسته‌اند که با هیچ واقعه‌ای در تاریخ ایران قابل مقایسه نیست. در این واقعه هزاران نفر از مسلمانان از دم تیغ گذشتند و شهر و روستاهای بسیاری ویران شد. این هجوم‌ها ادامه یافت و به از میان رفتن حکومت خوارزمشاهی منجر شد. سرانجام هلاکو این اقدامات نظامی را پی گرفت و حکومت ایلخانی را بنیاد نهاد.

قتل عام مردم شهرها و روستاها به دست مغولان و همچنین فرار و مهاجرت باقی‌مانده مردم به کاهش شدید جمعیت این مناطق منجر شد. مغولان مراکز زندگی اجتماعی مردم را ویران کردند و تأسیسات آبیاری و شبکه راهها را از میان بردند. پیامد این مصائب، نابودی کشاورزی و سقوط

زندگی اقتصادی ایران بود. حکام مغول و جانشینان آنها به صورتی لجام گسیخته و دلخواهانه از مردم مالیات می گرفتند و این پدیده نیز فقیرتر شدن روز افزون مردم روستاها و عدم توانایی آنها در احیای کشاورزی را در پی داشت.

بدترین نتیجه حمله مغول به ایران، انحطاط فکری جامعه ایرانی بود که مسلماً با هر حمله ویرانگره‌ای توأم است. عالمان و متفکران بسیاری از برابر مغولان گریختند و یا به تیغ آنان گرفتار آمدند. بسیاری از خاندان‌های دانش دوست که اغلب مروجان علم و فرهنگ بودند از میان رفتند. ولی به تدریج با استقرار حکومت ایلخانی و تجدید فعالیت دیوانسالاران ایرانی، زمینه ترمیم ویرانی‌ها فراهم شد. رفته رفته فضایی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور گشوده شد و دانشمندانی چون خواجه نصیرالدین طوسی به تأسیس مراکز علمی - اجتماعی همت گماردند.

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی که در دوران حکومت غازان و اولجایتو و سال‌های نخست حکومت ابو سعید بهادر خان وزارت داشت، در صدد فروکاستن و ترمیم اثرات حمله مغول برآمد و در چارچوب همین اهداف به تأسیس مجتمع ربع رشیدی در شرق تبریز در محلی به نام ولیان کوه اقدام کرد. بنا به گفته مورخان، این شهرک در حقیقت مرکزی علمی همراه با امکانات متنوع تولیدی و صنعتی بود، اما متأسفانه فعالیت آن چندان ادامه نیافت و پس از کشته شدن خواجه رشیدالدین در سال ۷۱۷ هجری این مجموعه دستخوش غارت شد.

پس از چندی در عهد وزارت فرزند خواجه رشیدالدین - خواجه غیاث الدین محمد - ربع رشیدی دوباره رونق سابق خود را به دست آورد. این موسسه بار دیگر به سال ۷۳۶ هجری و به دنبال کشته شدن خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی مورد غارت و چپاول قرار گرفت. در این نوشتار، ضمن نگاهی کوتاه به زندگی خواجه، درباره علل و انگیزه‌های تأسیس ربع رشیدی، معرفی بخش‌های مختلف آن، مسائل مربوط به کارکنان و در نهایت نحوه پرداخت دستمزد آنان بحث و بررسی خواهد شد.

زندگی‌نامه

خواجه رشیدالدین فضل‌الله بن ابی‌الخیر بن عالی در سال ۶۴۸ هجری قمری در خانواده‌ای یهودی (زریاب خویی، ۱۳۵۰، ۱۳۵-۱۲۳) که پیشه اصلی افراد آن پزشکی بود، متولد شد. وی پس از تحصیلات متداول مقدماتی، در زادگاه خود به تحصیل علم پزشکی پرداخت. درباره چگونگی و زمان ورود او به دربار ایلخانی آگاهی ویژه‌ای در اختیار نیست. اما درباره ترقی‌خواجه در دستگاه ایلخانی گفته‌اند. او در عهد ابا قاخان (حک: ۶۸۰-۶۶۳ هجری قمری) مورد توجه ایلخان قرار گرفت و در شمار پزشکان معتبر درآمد؛ (منشی کرمانی، بی‌تا، ۱۱۲) وی در آغاز کار علاوه بر طبابت، بعضی از امور دیوانی را نیز برعهده داشت و از همان زمان به کارهای فرهنگی توجه و علاقه خاصی نشان می‌داد، چنان‌که بنا به نوشته خود او در دوره حکومت ابا قاخان برای سفارت، و در ضمن بررسی گیاهان دارویی و آوردن نمونه‌های نایاب آن‌به ایران، رهسپار هند شد.^۱ (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸، ۱۴۸)

در عهد گیخاتو (حک: ۶۹۴-۶۹۰ هجری قمری) به خواجه رشیدالدین پیشنهاد وزارت داده شد، اما بنا به مصلحت آنرا نپذیرفت. (منشی کرمانی، بی‌تا، ۱۱۳) غازان در سال ۶۹۷ هجری قمری وزارت خود را به سعدالدین ساوجی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی واگذار کرد. اوج ترقی‌خواجه نیز در همین عهد بود، زیرا وی علاوه بر وزارت، تولیت موقوفات غازان خان در شب غازان را برعهده داشت و همچنین مأموریت تألیف کتاب جامع‌التواریخ به وی داده شد. اما قبل از اتمام کتاب، غازان در گذشت و برادرش اولجایتو به‌جای وی به حکومت رسید. با این حال، خواجه رشیدالدین و خواجه سعدالدین ساوجی همچنان وزارت الجاتیو را برعهده داشتند. اما پس از مدتی اختلافاتی بین دو وزیر به‌وجود آمد که در نهایت به قتل سعدالدین ساوجی منجر شد. (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ۵۰-۴۹) اولجایتو خواجه تاج‌الدین علیشاه را، به‌سبب کیاست و نکته‌دانی، با خواجه رشیدالدین در وزارت شریک کرد و مقرر شد خواجه علیشاه زیر نظر خواجه رشید

۱. خواجه رشیدالدین علاوه بر هند به مناطق دیگر چون ابرقوه، یارس، نقوش، عراق، هرمز، یزد، دیار بکر، سنجار، حدیفه، عانه، ماردین نیز سفر کرد که در مقدمه کتاب دیگر خود آثار و احیاء به‌اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش، ص ۴۵ به آن‌ها اشاره کرده است.

الدین ، به اداره مملکت مشغول شود و مهر و نشان وزارت و امور مالی در اختیار خواجه علیشاه قرار گیرد، ولی پس از چندی میان آن دو نیز اختلاف پدید آمد و اولجاتیو برای حل اختلاف اداره ولایات ایران را بین آن دو تقسیم کرد. اما همچنان اختلاف بین دو وزیر ادامه داشت. (کاشانی، ۱۳۴۸، ۱۹۶-۱۹۵)

با مرگ اولجاتیو در سال ۷۱۶ هجری و به سلطنت رسیدن ابوسعید - پسر ۱۲ ساله اولجاتیو - خواجه رشید الدین و تاج الدین علیشاه مشترکاً به اداره امور کشور پرداختند. تاج الدین علیشاه که از دوستی امیر چوپان - در آن زمان در تمام امور اختیار تام داشت - با خواجه رشیدالدین بیمناک بود، از طرفی بنا به گفته مورخان کار بر اصحاب دیوان نیز سخت شد بنابراین عده‌ای از عمال دیوانی خواستند تا برضد تاج الدین علیشاه اقدام کنند. پس نزد خواجه رشید الدین رفتند اما وی به این کار رضایت نداد. بعد از آن، این عده نزد خواجه تاج الدین علیشاه رفته و به تحریک او از رشیدالدین نزد ایلخان سعایت کردند. خواجه رشیدالدین از وزارت عزل شد و در اواخر رجب ۷۱۷ هجری از سلطانیه به تبریز رفته، گوشه انزوا اختیار کرد. پس از مدتی امیر چوپان که به حوالی تبریز رفته بود. خواجه رشید الدین را به قبول مجدد وزارت دعوت کرد. اما او در جواب گفت: «ایام وزارت من بیش از هر یک از وزراء طول کشید. مرا سیزده فرزند است که به خدمت مشغولند بهتر آنست که ایشان در خدمت باشند و من بقیه عمر را به کار آخرت پردازم». اما امیرچوپان اصرار کرد و سرانجام خواجه رشیدالدین پذیرفت. تاج الدین از موضوع مطلع شد و این بار خواجه را به همکاری فرزندش ابراهیم - شربت‌دار اولجاتیو - متهم به مسموم کردن سلطان کرد. (سمرقندی، ۱۳۷۲، ۶۳) پس از محاکمه و گواهی دو امیر، سلطان ابوسعید در سال ۱۷ جمادی الاول ۷۱۸ هجری دستور قتل آن‌ها را صادر کرد. ابتدا فرزند شانزده ساله او را کشتند و پس خواجه رشید الدین را به قتل رساندند. خواجه هنگام مرگ به جلال گفت: «به علیشاه بگو که بی‌گناه قصد جان مرا کردی و زمان این کینه از تو باز خواهد، تفاوت این قدر باشد که گور من کهنه و گور تو نو» (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ۷۸) پیش‌بینی خواجه درباره فرجام قاتلان خود درست درآمد و به قول حافظ ابرو «جماعتی که در خون او سعی کرده بودند هم در آن سال به قتل آمدند». (همان، ۸۰)

درباره فرزندان و خانواده خواجه رشید الدین از نامه‌های وی مطالب سودمندی را می‌توان به دست آورد که دانش‌پژوه در مقدمه کتاب سوانح الافکار رشیدی این مطالب را گردآوری کرده است. گویا خواجه چهارده پسر و چهار دختر داشته است و پسران او به همراه پدر اداره امور دولت ایلخانی را در انحصار خود داشتند زیرا باتوجه به مکاتبات رشیدی بیشتر پسران خواجه حکومت ولایات را برعهده گرفته بودند.

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد خواجه رشیدالدین اهل علم و ادب بود و تألیفات بسیاری از خود به جای گذاشته است که عبارت است از *جامع التواریخ*، *آثار و احیاء*، *اسوله و اجوبه*، *بیان الحقایق*، *تنکسوق‌نامه*، *مکاتبات رشیدی* یا *منشآت رشیدی*، *مجموعه رشیدیه* که شامل *(توضیحات رشیدی، مفتاح التفاسیر، السلطانیه یا فواید السلطانیه، لطایف الحقایق)* بود و نیز سند وقفی ربع رشیدی که مبنای کار پژوهش حاضر می‌باشد.

ربع رشیدی و علل تاسیس آن

تبریز به سبب وضع جغرافیایی خاص خود، شهر بازرگانی بود، زیرا بر سر راه کاروان‌های قدیم اروپا و آسیای دور قرار گرفته بود و اغلب راه‌های کاروانی به تبریز ختم می‌شد. از این رو یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری آن عصر بود. از سفرنامه و نوشته‌های جهانگردان چنین استنباط می‌شود که تبریز محل تجارت و داد و ستد از هندوستان، بغداد، موصل، هرمز و سایر نقاط بوده است. (مارکوپولو، ۱۳۶۳، ۴۱) تبریز با داشتن چنین موقعیتی بهترین محل برای بنای ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین فضل الله بود. بدین جهت خواجه در سال ۶۹۹ هجری قمری در ولیان کوه داخل باروی غازانی ربع رشیدی را ساخت (مستوفی، ۱۳۶۲، ۷۶) و در تاریخ اول ربیع‌الاول ۷۰۹ هجری قمری برای آن وقف نامه‌ای تنظیم کرد. خواجه در مقدمه وقفنامه ربع رشیدی و بخش رساله خیرات جاریه در *لطایف الحقایق* با آوردن شواهدی از آیات قرآنی و احادیث به مقایسه اعمال حسنه و سیئه پرداخته است و بهترین اعمال صالحه را در خیرات جاریه یا وقف می‌داند و با بیان فوائد خیرات جاریه و تأثیر آن بر واقف گویا از قبل به فکر ایجاد اماکن خیریه بوده است. در این مورد می‌نویسد: «اکثر اوقات به اندک عمارتی مشغول و مایل می‌بودم در آن شروعی می‌نمودم

و از اهالی آن صناعات استفاده می کرد و به قدر وسع هر وقت عمارتی در عمل می آورد و به اندیشه و فکر آن مشغول می شد که آن عبارت می باید مشتمل باشد بر خیرات. «(فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۲۱؛ همو، ۱۳۵۷، ۲/۷۶۲) و این که عمارات جزئی او را قانع نمی کرد و همواره درصدد تأسیس محلی برای تجمع علما و دانشمندان جهت توسعه علم بود. بدین جهت، به تأسیس مجتمع ربع رشیدی اقدام کرد. همچنین در این باره می گوید: «همواره به مقدار استطاعت و مقدار طاقت به اندازه فکر و فهم خود در بعضی معانی دقیق و حقایق اشیاء مهوس بود که هم فکری کند و در آن شیوه به حسب قدرت شروعی نماید و به خدمت علما و مشایخ و اصحاب قلوب و ارباب عرفان تقریبی جوید و ملازمتی نماید...» (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۲۱)

البته نکته دیگری که در مورد انگیزه و هدف خواجه رشید الدین در تأسیس موقوفه ربع رشیدی می توان گفت این که خواجه از این موقوفه سازی علاوه بر کسب ثواب آخرت، رعایت جانب فرزندان را در نظر داشته است، زیرا با شناختی که او از دشمنانش داشت، پیش بینی می کرد که پس از مرگش، فرزندان از دارایی پدر بهره مند نشوند و با وقف اموال می کوشید فرزندان را در مقام متولی قرار دهد و حفظ میراث خود برای آنان را تضمین کند.

خواجه رشید الدین با وجود مسئولیت های سیاسی طرح و برنامه ریزی ربع رشیدی را انجام داد و بر همه امور ربع رشیدی از ابتدای تأسیس آن تا پایان عمر مستقیماً نظارت داشت. خواجه احتمالاً به مدت یک دهه و نیم مشغول ساخت و توسعه ربع رشیدی بود.

شاید خواجه رشید الدین ماه های آخر زندگی خود را در ربع رشیدی به سر برده باشد، زیرا پس از عزل در اواخر رجب ۷۱۷ هجری قمری از سلطانیه به تبریز آمده بود. از سرنوشت ربع رشیدی پس از مرگ بانی آن اطلاع دقیقی در دست نیست و بیشتر منابع دوره ایلخانی در این مورد سکوت اختیار کرده اند. حافظ ابرو نخستین مورخی است که ادعا می کند ربع رشیدی مورد غارت و تخریب قرار گرفت و دیوان املاک او را مصادره کرد. (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ۱۲۷) البته این امری معمول بود چنان که در مورد صاحب دیوان جوینی و سعد الدین ساوجی نیز صورت گرفت. جالب آن که حمد الله مستوفی در این مورد نه در تاریخ گزیده و نه *نزهة القلوب* هیچ سخنی نگفته است و تنها به تلاش خواجه غیاث الدین رشیدی در امر توسعه و گسترش تأسیسات آن اشاره کرده است.

(مستوفی، ۱۳۶۲، ۷۶) در هر صورت غارت اولیه آن ویران‌گر نبوده است زیرا پس از انتصاب غیاث‌الدین به وزارت شاهد حضور شیخ صفی اردبیلی در خانقاه آن هستیم. در *صفوة الصفا ابن بزآز* نیز در چند جا، به دعوت خواجه غیاث‌الدین از شیخ صفی اشاره شده است.

اوحدی مراغه‌ای از شعرای معروف قرن هشتم در منظومه جام جام در وصف ربع رشیدی اشعاری سروده که این ابیات از آنهاست:

«ای همایون بنای فرخنده	که شد از رونقت طرب زنده
طاق کسری ز دفترت کسری است	هشت جنت ز گلشنت قصری است
خاکت از مشک و سنگ از مرمر	یادت از خلد و آبت از کوثر
کاشی آجرت بهر خورده	مال قارون بدم فرو برده
چون زسرخاب روی شاهد سنگ	داده سرخاب را جمال تو رنگ

در مورد مدرسه خانقاه ربع رشیدی می‌گوید:

ای در علم و خانه دستور	چشم بد باد ز آستان تو دور
شد سعادت طلایه بر تبریز	تا فکندی تو سایه بر تبریز
از پی ضبط سفره و خوانات	تا مهیا شود سبک نسانت
آسمان گشت کوکبی انبوه	آسیابان بر آب بیلان کوه
مال تبریز خرج خوان تو نیست	مال سرخاب را توان تو نیست

و نیز در وصف مسجد جامع رشیدی می‌گوید:

ای گرامی بهشت مسجد نام	خلد خاصی ز روح و خبت عام
شاه دیوارت ای عمارت خیر	بن و بیخ کنشت کنده و دیر
از ستون‌های بیتون سنگی	وز طبق‌های آسمان رنگی
کرده هر شب ز گنبد نیلی	در هوای تومانده قندیلی
اوج مقصوره تو پیش ملک	اعتراف قصور کرده فلک»

(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۰۷، ۲۲-۲۰؛ مشکور، ۱۳۵۰، ۳۰۳-۳۰۱)

پس از قتل خواجه غیاث الدین رشیدی در ۲۱ رمضان ۷۳۶ هجری قمری، ربع رشیدی برای بار دوم مورد غارت قرار گرفت و بسیاری از «مرصعات و نقود واقشه وامتعه و کتب نفیس» (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ۱۵۱) از بین رفت. از طرفی با آن که سجلات زیادی در وقفنامه ربع رشیدی ثبت شده که تاریخ بعضی از آن‌ها مربوط به سال‌های ۷۵۰-۷۸۵ هجری قمری است و حتی برخی سال‌های ۸۰۹ و ۸۱۱ هجری قمری را نیز نشان می‌دهد. اما این سجلات تنها صحت وقفنامه را تایید می‌کند.^۱ (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۳۳-۲۳) بی آن که نشان‌گر وضعیت ربع رشیدی در این دوران باشد و یا معلوم نیست که آیا قسمت‌های مختلف ربع رشیدی کارکردهای خود را داشته یا نه؟ و آیا از بازماندگان خواجه رشید الدین کسی در سمت متولی، مشرف و ناظر مشغول اداره ربع رشیدی بود یا نه؟ با وجود آن از لابه لای متون تاریخی می‌توان دریافت که این بنا تا دوره صفویه پابرجا بوده است و مدتی در شمار ابنیه دولتی محسوب می‌شد. چنان‌چه ربع رشیدی در سال ۷۵۱ هجری مدتی مقر ملک اشرف چوپانی گشت، وی برگرد آن محله خندقی احداث کرد و دستور داد تا مردم خانه‌های خود را در اطراف آن بسازند و ربع رشیدی پر از سکنه شد. (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ۱۸۳) پس از او در سال ۷۵۹ هجری شیخ اویس جلایری نیز ربع رشیدی را به اشغال خود درآورد. (همان، ۱۸۶)

قطعه شعری از کمال‌الدین خجندی در دست است که نشان می‌دهد به هنگام ورود توقمیش، خان قبچاق، به تبریز در سال ۷۸۷ هجری ربع رشیدی ویران شده بود. در این زمان امیر ولی استرآبادی - امیر مازندران - در تبریز مهمان سلطان احمد جلایری بود. گویا فرهاد نامی حکومت شهر را برعهده داشته است. کمال‌الدین که در این موقع در تبریز بود درباره این واقعه و یورش لشکر توقمیش به آن شهر گفته است:

گفت فرهاد تسابسه میر ولی که رشیدیه را کنیم آسباد
زر تبریزیان به آجر و سنگ بود بدهیم از برای این بنیاد

۱. سجلات متعددی از علما و قضات و ارباب دیوان از جمله محمد بن عبدالسلام بن عبدالمجید بن عبدالله بن عمر بن محمد قاضی تبریز، محمد بن محمد بن بجاری حنفی، محمد بن عبدالله شافعی، حسن بن مطهر حلی و عده کثیر دیگر. نکته قابل توجه این که این سجلات توسط علما و قضات مذاهب و فرق مختلف گواهی شده است.

مسکن به شغل کوه کنی	که ز موران کوه و دشت زیاد
لشکر پادشاه توقمیش	آمد و هاتف این ندا درداد
لعل شیرین نصیب خسرو	سنگ بیهوده می کند فرهاد

(مشکور، ۱۳۵۰، ۳۰۳-۳۰۱)

البته علاوه بر علل یاد شده درخصوص ویرانی ربع رشیدی باید به تخریب و انهدام ربع رشیدی توسط میران شاه پسر تیمور گورکانی (حک: ۸۰۲-۷۹۸ هجری قمری) نیز اشاره شود که کلاویخو در سفرنامه خود به آن اشاره کرده است. (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۱۷۱) بعدها در سال ۱۰۲۰ هجری قمری شاه عباس منوچهر بیک اشیک آقاسی را مأمور کرد تا مصالح عمارت ویران شده شنب غازان را به ربع رشیدی انتقال دهد و به بازسازی آن توسط استادان ماهری که از بغداد و سایر نقاط به تبریز می آمدند اقدام کند. قلعه جدید تبریز در ربع رشیدی ساخته شد. (اسکندر بیک منشی، ۱۳۷۷، ۱۳۶۲-۲/۱۳۶۱) بنابراین آنچه از ربع رشیدی در حال حاضر باقی مانده، توسط صفویه تعمیر شده است.

شاردن فرانسوی که در سال ۱۰۸۴ هجری قمری از تبریز دیدن کرده، درباره ربع رشیدی می نویسد: در خارج از تبریز در طرف شرق یک قطعه عظیم کاملاً مخروبه ای دیده می شود که قلعه رشیدیه نامیده می شود. علت خرابی آن عدم توجه جانشینان شاه عباس به تعمیر این بنا است. (شاردن، ۱۳۷۴، ۲/۴۷۸) در دوره قاجار نادر میرزا در بازدید از آثار ربع رشیدی از وجود گچ کاری ها و طاق ها و دیوارهایی به شکل مقرنس و سنگ های یکرو تراش خورده گزارش می دهد که توسط مردم تبریز از بین رفته بود. (نادر میرزا، ۱۳۶۰، ۱۴۱) در حال حاضر ربع رشیدی در انتهای محله ششکلان تبریز و محله باغمیشه در تپه ای عون بن علی قرار دارد. هیچ یک از قسمت های ربع رشیدی امروزه قابل تشخیص نیست و تنها پایه برج ها و خط دیوار استحکامات آن است که بر روی بزرگ ترین تپه های آن ناحیه قرار دارد، بقیه قسمت های ربع رشیدی نیز تبدیل به اماکن مسکونی و تأسیسات شهری شده است.

بخش‌های مختلف ربیع رشیدی

مجمع بزرگ ربیع رشیدی از سه قسمت زیر تشکیل شده بود. ۱- ربیع رشیدی ۲- شهرستان رشیدی ۳- ربض رشیدی.

۱- ربیع رشیدی^۱ یا اساسی‌ترین بخش مجموعه دارای واحدهای مختلف زیر بود:

الف) مجموعه روضه شامل مسجد شتوی (زمستانی) و مسجد صیفی (تابستانی)، جهت اقامه نماز و تدریس علوم و تفسیر و حدیث به ترتیب در فصول گرم و سرد سال «روضه که حوض آب در میان آن است و آن مشتمل است بر دو مسجد، یکی مسجد صیفی که آن صفة صلاتست، نماز جمعه و عیدین (فطر و قربان)، همان‌جا گزارند... و در تابستان درس‌های علوم که شرح آن خواهد آمدن، هم در آن‌جا گویند، و یکی دیگر مسجد شتوی، و آن گنبدی است که متصل به صفة صدر است و زمستان نماز آن‌جا گزارند و درس‌های علوم و تفسیر و حدیث و غیره راهم در آن‌جا گویند». (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۴۲)

ب) خانقاه: و پیرامون آن که شامل محل سکونت شیخ و صوفی‌ها با تمام امکانات رفاهی از قبیل مطبخ (آشپزخانه)، محل صرف غذا، محل سماع و... بود.

ج) دارالضیافه: (مهمانسرا) جهت مجاوران و مسافران با مطبخ و حوابج خانه و توابع آن از تحناتی و فوقانی. سمت راست جهت مجاوران و سمت چپ مسافران، برای ساکنان ربیع رشیدی (مدرسان، متعلمان، کارکنان) صبحانه و به مسافران دو وعده غذا که شامل شام و صبحانه بود داده می‌شد. مسافران به سه گروه تقسیم می‌شدند. گروه اول مردمان متمیز (عالی مقام) طبقه بالا که سمت شرقی و شمالی ربیع رشیدی جهت این دسته از مهمانانی تعیین شده بود. گروه دوم مسافرانی معمولی، به شرط نداشتن اقوامی در تبریز که برای سه روز حق اقامت داشتند و هنگام مراجعت در صورت نداشتن کفش، یک جفت کفش به آن‌ها داده می‌شد. گروه سوم مسافرانی که فقیر و مسکین‌اند و در دارالمساکین از آن‌ها پذیرایی می‌شد. (همان، ۱۴۲)

۱. ربیع به معنی شهرک می‌باشد شایان ذکر است که ساکنان ربیع رشیدی به صورت مجرد زندگی می‌کردند و متأهلین باید در شهرستان رشیدی برای خانواده خود خانه می‌ساختند. وقتنامه ربیع رشیدی، ص ۱۷۱.

شایان ذکر است دارالضیافه بخش وسیعی را شامل می‌شد و در شب‌های جمعه، تمام شب‌های ماه رمضان (افطاری)، عیدین (قربان و فطر)، شب رغایب (شب اولین جمعه ماه رجب)، شب برات (نیمه شعبان)، شب افتتاح (شب پانزدهم رجب)، شب میلاد نبی (دوازدهم ربیع‌الاول)، شب معراج نبی، عید شعیبه (هشتم شوال) روز عاشورا (دهم محرم)، روز نوروز، روز وفات واقف، مراسم سماع ماهانه از تمام مردم تبریز پذیرایی می‌شد که مخارج همه ایام در وقفنامه به دقت مشخص شده است که بعداً به آن اشاره خواهد شد. (همان، ۲۳۱-۲۲۹)

د) دارالشفاء شامل داروخانه، آشپزخانه مخصوص تهیه غذای بیمار و مسکن طیبیان.

و) دفتر کار متولی، مشرف ناظر (هیأت مدیره ربع رشیدی) که در قسمت‌های مختلف قرار داشت تا آنجا بهتر انجام وظیفه نمایند. (همان، ۲۸۹)

هـ) بخش حجره‌ها یا اتاق‌های ویژه جهت مدرسان، طلاب، صوفیان و تاسیسات رفاهی که

حمام، حوض خانه، سقایه، سرابستان، انبار، کتابخانه و... را شامل می‌شد. (همان، ۴۳)

۲- شهرستان رشیدی: بیشتر کارکرد مسکونی داشت.

شهرستان رشیدی دارای ساختمان‌های بزرگ و حمله‌های گوناگون و اماکن رفاهی و اقتصادی از قبیل حمام‌ها، کاروانسراها، کارخانه‌های کاغذسازی، پارچه‌بافی، دارالضرب، بازار، و دارالمساکین بود.^۱

در سازماندهی مکانی و محله‌ای کارکنان ربع رشیدی و محلات مسکونی آن‌ها اصول ارزشی و ساختمانی خاصی مورد توجه خواجه رشید الدین فضل الله بوده است. هر محله اختصاص به یک طبقه یا رده شغلی داشته است از محلات معروف شهرستان رشیدی محله صالحیه بوده که رشیدالدین در مورد موقعیت مکانی و وجه تسمیه آن می‌نویسد:

این محله صالحه محلی است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک

است و یک در کوچه آن معر بزرگ ربع رشیدی است که بالا می‌روند و یک در دیگر به

جانب بازار است که به راه دروازه سرخاب می‌روند و جهت آن نام آن محله صالحیه نهاده

۱. دارالمساکین در شهرستانی رشیدی و متصل به ربع رشیدی بود که در آن روری به ... (نفر از فقرا و مساکین تریزیک وعده

غذای رایگان داده می‌شد، فقرای مسافر را نیز آنجا اطعام می‌کردند. وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۴۴.

شد که جماعت آن اهل صلاح که مجاوران و ملازمان ربع رشیدی باشد. خانه‌های ایشان در آنجا باشد، و فاسقان را در آنجا راه مدخل و مقام نباشد (همان، ۱۷۲)

بنابراین خانه‌های کارکنان متاهل و شاغل در ربع رشیدی، که به صورت مجرد در آنجا ساکنند در محله صالحیه تعیین شده است. همچنین برای ده نفر یتیمی که در ربع رشیدی قرآن می‌آموختند، جهت آن نیز در این محله خانه ساخته شده بود. (همان، ۱۹۰) از دیگر کسانی که در سایر محلات شهرستان رشیدی می‌توانستند ساکن شوند، معمار اصلی ربع رشیدی (استاد حاجی قزوینی)، بیکان، (همان، ۱۹۲) و غلامان قزوینی، رومی، گرجی، حبشی، زنگی، هندی و غیره بود. البته در مکاتبات رشیدی نیز به تفصیل ساکنان رشیدی را خواجه بیان کرده است. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۸، ۲۸۹) در شهرستان رشیدی مواضع خالی وجود داشت که متولی بنا به مصلحت هر چیز و هر کس را در آن محل‌ها جا می‌داد. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۷۲)

۳- ربض رشیدی: ربض به دو بخش تقسیم می‌شد: ربض بالاین و ربض زیرین و ساکنان آن برحسب روابط خویشاوندی و مقامی در آن سکونت داشتند.

الف) ربض بالاین: ربض رشیدی متصل به ربع رشیدی است و حریم خانوادگی همه فرزندان واقف اعم از متولی، مشرف، ناظر، کلیددار گنبد و دیگر اولاد نسل به نسل در آنجا سکونت داشتند. (همان، ۱۸۰ - ۱۷۹، ۱۷۶) علاوه بر این‌ها تعدادی از غلامان ترک همراه خانواده به مصلحت متولی بعضی در ربض بالایی و برخی در ربض زیرین ساکن بودند و در صورت کثرت جمعیت بنا به مصلحت متولی در شهرستان رشیدی سکنا می‌گزیدند. (همان، ۱۹۲)

ب) ربض زیرین: خانه اسفهلار و سرهنگان در آنجا واقع شده بود. بنابراین می‌توان گفت ربض رشیدی محل اعیان‌نشین و محل احداث ساختمان‌های ویژه خانواده رشیدی، غلامان خاص و مسؤولان امنیتی و اسفهلاران و سرهنگان بود. علاوه بر این سه قسمت (ربع رشیدی، شهرستان رشیدی، ربض رشیدی) چندین دهکده و باغ بزرگ نیز در مجاور آن‌ها متعلق به این مجتمع بوده است. (بروشکی، ۱۳۶۵، ۷۸)

کارکنان ربع رشیدی^۱

کارکنان و شرح وظایف آنها طبق وقفنامه ربع رشیدی به شرح زیر است:

۱- متولی، مشرف ناظر (هیأت مدیره ربع رشیدی) که پس از مرگ واقف عهده‌دار اداره اوقاف بودند. خواجه رشید الدین این وظیفه را برعهده فرزندان خود قرار داده بود تا نسل اندر نسل در بین فرزندان ذکور و در صورت نبود اولاد ذکور به ابناء بنات (فرزندان ذکور دختران) و در غیر این صورت برعهده اصلح‌ترین شفیع تبریز واگذار شود. شرایط احراز این سه مقام تربیت سنی اولاد کفایت و عدم ارتکاب منکرات ذکر شده است. لازم به ذکر است خواجه وظایف متولی را نسبت به سایرین در وقفنامه دقیق‌تر بیان کرده است. از جمله وظایف وی تقسیم امور مالی، گزینش مدرسان، معیدان، کارکنان و غلامان ربع رشیدی بود، اما در این مورد باید با مشرف و ناظر نیز مشورت می‌شد. در مواردی اختیارات متولی را نیز محدود می‌کرد. به‌عنوان مثال در مورد املاک وقفی حق اجاره یا استفاده مستقیم از حاصل آن توسط اعمال ربع رشیدی را منع کرده بود. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۲۴)

۲- مدرسان: شامل مفسر و محدث که می‌بایست شخصی عالم، متدین، صالح و صاحب روایت و اجازت باشد، مدرس علوم و فقه و کلام و معید نیز باید شرایط فوق را داشته باشند. با وجود شواهدی چون اقامت در تبریز، محل دفن، رشته تخصصی و هم عصر بودن با بنای ربع رشیدی) می‌توان احتمال داد که برخی از مدرسان ربع رشیدی عبارت بودند از: قطب الدین رازی که خواجه رشیدالدین از او به‌عنوان مربی ترتیب ما یاد می‌کند، قطب‌الدین مسعود شیرازی، جمال‌الدین مطهر حلّی، عضد الدین ایجی، همام الدین تبریزی. دلیل دیگر بر این ادعا نامه‌ای است که خواجه رشید الدین به فرزند خود امیر علی حاکم بغداد ارسال کرده و در آن برای دانشمند

۱. خواجه رشید الدین از کارکنان ربع رشیدی با دو عنوان مرتزقه و عمله یاد می‌کند. منظور از مرتزقه کارکنان عالی رتبه مانند مدرس، طبیب، سنج و امام و دریافت کسندگان کمک هزینه یعنی ایتم، متعلمان، متصوفه را شامل می‌شد و منظور از عمله نیز خدمه اوقاف یعنی مشاغلی چون سقایی، فراتی، مشعله‌داری، دربابی... وی برای انتخاب کارکنان ربع رشیدی سه شرط اخلاقی را مطرح کرده بود که عبارت بود از، امین بودن، متدین بودن، و نری بودن از سکرآت.

مقرری تعیین کرده است که نام علمای یاد شده نیز جز بر آن‌هاست. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۸، ۷۳ - ۶۸)

۳- شیخ که امامت را نیز برعهده است. احتمالاً عین الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله سیواسی اولین امام جماعت ربیع رشیدی بود. (ابن فوطی، ۱۳۷۴، ۲/۳۸۱)

۴- طیب: وظیفه تدریس و معالجه بیماران را برعهده داشت. وی همچنین باید شرایط اخلاقی احراز این مقام را داشته باشد. طیب علاوه بر معالجه، دو نفر متکلم «زیرک، متدین و مجید» را علم طبابت می‌آموخت. این دو، پس از پنج سال آموزش و کسب اجازه از استاد جهت طبابت از ربیع رشیدی خارج و متعلمان دیگر وارد می‌شدند. (فضل اله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۴۲) طیب مذکور به معالجه تمام ساکنان ربیع رشیدی اعم از مسافران، مجاوران و عملیه پرداخت و روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه ملازمان و مجاوران ربیع رشیدی و شهرستان رشیدی را نیز طبابت می‌کرد.

۵- کحال و جراح: با نظارت هیات مدیره ربیع رشیدی وارد انبار و داروخانه می‌شد و به معالجه چشم بیماران می‌پرداخت.

۶- گنبد دار: با داشتن شرایط اخلاقی لازم وظیفه کلیدداری گنبد را که در آن قرآن و وسایل باارزشی بود را برعهده داشت. طوق بن سونقور بن عبدالله کلیددار ربیع رشیدی بود. (همان، ۱۳۷)

۷- ناسخان ربیع رشیدی: خواجه رشید الدین جهت نسخه‌برداری از قرآن کریم و جامع الاصول فی احادیث الرسول به متولی سفارش کرده بود که دو نفر کاتب حاذق و خوش‌نویس را از حاصل موقوفات اجاره کنند، نیز آن‌ها باید از تالیفات خواجه رشید الدین شامل مجموعه رشیدیه (توضیحات، مفتاح التفاسیر و سلطانیه، جامع التواریخ، آثار و احیاء، بیان الحقایق، اسوله و اجوبه و تحقیق المباحث که شامل چند کتاب بود. دو یا هرچند نسخه که متولی صلاح بداند به زبان فارسی و عربی بر کاغذ خوب به قطع بزرگ بغدادی به خط خوش نوشته و با اصل آن که در کتابخانه ربیع رشیدی است مقابله نماید. (همان، ۲۲۷-۱۳۳) احتمالاً ابن فوطی، کمال الدین کالکه اردبیلی، عمر خراسانی از ناسخان ربیع رشیدی بودند. (ابن فوطی، ۱۳۷۴، ۱/۳۵ و ۲۶۳ و ۴/۲۵)

۸- اتابک: وظیفه نگهداری کودکان بی‌سرپرست را برعهده داشت.

- ۹- حافظ قرآن: وظیفه داشتند که مرتب قرآن تلاوت کنند به شغلی که هیچ وقت صدای قرآن قطع نشود.
- ۱۰- مرتب: داعی نیز گفته می‌شد به‌هنگام صرف غذا دعای مخصوص را قرائت می‌کرد. وظیفه دیگر وی پرداخت حقوق کارکنان در دوران پاکتی مخصوص بود.
- ۱۱- اسفهلاران و سرهنگان: که در حقیقت کادر امنیتی ربع رشیدی بودند.
- ۱۲- مؤذنان: وظیفه داشتند در پنج نوبت اذان بگویند.
- ۱۳- شرابدار داروخانه: وظیفه تهیه دارو را طبق سفارش طبیب برعهده داشتند.
- ۱۴- خازن داروخانه: از در مشبک دارو تحویل می‌داد.
- ۱۵- معماران ربع رشیدی: ساخت بخش‌های مختلف ربع رشیدی را برعهده داشتند که استاد حاجی قزوینی یکی از معماران ربع رشیدی بود، و عبدالله صیرفی نویسنده اغلب کتیبه‌های ربع رشیدی را برعهده داشت. (حشری تبریزی، ۱۳۷۱، ۱۴۳ و ۱۱۹)
- ۱۶- فراشان - الف) فراش گنبد: ملازم حافظان قرآن بود، وظیفه آن‌ها روشن کردن چراغ‌ها به هنگام نماز عشا و جارو کردن گنبد در آخر شب بود، ب) فراش خانقاه: که وظیفه نگهداری خانقاه، روشن کردن شمع، قندیل و چراغ خانقاه، سقایی و نگهداری وسایل فرش و طرح آن، ج) فراش دارالضیافه: وظیفه رسیدگی و نگهداری وسایل فرش و طرح آن، ج) فراش دارالضیافه: وظیفه رسیدگی و نگهداری از دارالضیافه را برعهده داشت.
- ۱۷- مشعله‌داران بواب، داروخانه و خانقاه: وظیفه روشن نگه داشتن قسمت‌های مختلف ربع رشیدی را برعهده داشته.
- ۱۸- سقایان خانقاه، روضه دارالضیافه، داروخانه، مطبخ، شراب‌خانه، دارالتولی، مشرف، ایوان خانه: مسئول رساندن، آب آشامیدنی به قسمت‌های مختلف ربع رشیدی و آوردن آب برای فراشان جهت تمیز کردن قسمت‌های مختلف ربع رشیدی بودند.
- ۱۹- مطبخی دارالشفاء، دارالضیافه و خانقاه: وظیفه آنان تهیه غذای ربع رشیدی بود.
- ۲۰- دربانان دارالضیافه، درگاه مناره، روضه و خانقاه و دارالمتولی: موظف بودند تا از کلیه درهای ورودی مجتمع ربع رشیدی محافظت کنند.

۲۱- خادم المرضی: وظیفه رسیدگی به حال بیماران و تعویض لباس آن‌ها را برعهده داشتند.
۲۲- غلامان که از اقلیت‌های مختلف رومی، گرجی، حبشی، زنگی، هندی و قزوینی بودند که عده‌ای به باغبانی مشغول و عده دیگر به صلاحدید متولی به امور دیگر از جمله فراشی، درباری و غیره مشغول بودند.^۱

خواجه رشید الدین امکانات رفاهی نیز برای کارکنان ربیع رشیدی ایجاد کرده بود. از جمله این که مسکن آن‌ها در اطراف ربیع رشیدی واقع بود. آن‌ها از خدمات درمانی رایگان بهره‌مند بودند و در صورت فوت بیماری که بی‌بضاعت بود هزینه کفن و دفن وی از موقوفات ربیع رشیدی پرداخت می‌شد. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۴۲) تلاش خواجه در احداث حمام و لوله‌کشی آب و ممنوع کردن مردم از کثیف کردن آب جاری از جمله اقدامات وی جهت رعایت بهداشت و نظافت ربیع رشیدی است. کاشانی نیز از توجه خواجه به رعایت نکات مهم نظافتی و تلاش او جهت حمل زباله گزارشاتی داده است: «و قرب سیصد سر گاو دیو هیکل، عفاریت منظر با چند گاویند یزدی به تبریز آورده است تا جمله فاذورات و مستحبات شهر بر پشت ایشان به باغ فتح‌آباد و رشید آباد و غیرهما می‌کشند.» (کاشانی، ۱۳۴۸، ۱۱۶)

خواجه رشید الدین از سهم زارعان یعنی غلامان که در مزارع مشغول کار بودند یک ششم کل درآمد آن‌ها را در صندوقی نگهداری می‌کرد تا در صورت حدوث وقایع و یا فوت وی، بازماندگان این غلامان دچار تنگدستی نشوند. البته در مورد ۲۰ غلام خاص می‌نویسد: «... هرچه کسب کنند پنج سدس پنج ششم از آن ایشان باشد و یک سدس یک ششم آن را جهت وقف بستانند، اما آن‌را محفوظ دارند تا اگر از ایشان متوفی شود و از وی اطفال و ایتام و ارامل (بیوه‌زن)،

۱. نکته قابل توجه در وقفنامه این است که خواجه نام غلامان را آورده به‌عنوان نمونه تاتیمور باورچی (آشپز)، قوتلوق بوقا (نقاش)، تغای متون (دواتی)... ص ۱۵۲-۱۵۱. اما هیچ‌جا مشخص نکرده است که آن‌ها جزء اسیران جنگی غیرمسلمان هستند یا برده به‌دنیا آمده‌اند. از قومیت‌های آن‌ها چنین می‌توان حدس زد که شاید اغلب مسیحی‌اند. اما در مورد غلامان قزوینی که گرد آورده و مکاتبات رشیدی شاید از روی تردید قرویان (روستاییان)، آورده نیز اطلاعاتی داده نشده است. موانع الافکار رشیدی،

باز مانند یا به حادثه یا واقعه‌ای، قرضی و احتیاجی مبتلا شود از آن حصه محفوظه به نظر متولی بی‌اسراف و تفسیر در مصالح ایشان صرف کنند...» (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۵۲)

خواجه رشید الدین برای سایر کارکنان ربع رشیدی نیز تمهیداتی اندیشیده بود. وی به متولی سفارش کرده بود تا همواره برای یک سال آتی در انبار ذخیره جنسی و نقدی داشته باشد که اگر بنا به مصائبی همچون خشکسالی، جنگ و دیر رسیدن محصول از نقاط دور به ربع رشیدی مردم در مضیقه نمانند. (همان، ۱۲۴) قبلاً پرداختن به نحوه دستمزد کارکنان در ابتدا مخارج سالانه ربع رشیدی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مخارج سالانه ربع رشیدی

خواجه رشید الدین در دوجا، یکی در متن شرایط تعیین شده وقفنامه و دیگری در نگاهی اجمالی به مخارج در آخر فصل سوم بخش خاتمه وقفنامه به جزئیات آن پرداخته است (همان، ۲۳۶ - ۲۱۷) که براساس این اطلاعات جداول زیر را از آن استخراج کردیم:

جدول شماره ۱: مخارج ربع رشیدی در سال ۷۰۹ هجری

موارد مصرف موقوفات	دینار	دانگ	تسو	سهمیه نان بر حسب من	صفحات وقفنامه
تهیه یک نسخه قرآن و کتب حدیث	۲۰۰۰	---	---	---	۲۱۹
رسومات افرادی که در هر یک از بقاع مشغول کارند	۵۱۳۶	---	---	۱۱۰۸۸۰	۲۲۰
پذیرایی از مجاوران و مسافران دارالضیافه	۲۳۸۵	---	---	۲۳۴۰۰	۲۲۸
اطعام فقرا در دارالمساکین	۴۴۱۶	۴/۵	---	۱۸۰۰۰	۲۲۸
اطعام در اعیاد و مناسبت‌ها	۲۹۵۸	---	۱/۵	۲۴۷۰	۲۲۹
اطعام اوقات سماع	۴۸۰	---	---	---	۲۳۱
روشنایی	۲۳۰۹	۴	---	---	۲۳۲
عطر جهت نجور	۱۸۰	---	---	---	۲۳۳
ادویه و اشربه بیماران	۲۰۰۰	---	---	---	۲۳۴
پای افزار و کفش، جهت مسافران محتاج و تکفین اموات	۳۰۰	---	---	---	۲۳۴
پنبه جهت ۱۰۰ نفر ارامل (بیوه زن)	۲۰۰	---	---	---	۲۳۴
مرسومات سایر جماعت و اسفسالار، سرهنگان و...	۵۴۰	---	---	۱۵۱۲۰	۲۳۶

جمع هزینه‌های پرداخت شده ۲۳۹۰۵ دینار ۲ دانگ ۲/۵ تسو^۱

۱. دینار: واحد پول است که به ۶ قسمت تقسیم می‌شود. هر قسمت از را دانگ و هر دانگ ۴۰ تسو و هر تسو به ۴۰ دانه جو تقسیم می‌شود. دانگ: واحد وزن در اوزان کوچک است و عموماً سدس واحدی را بیان می‌کند. تسو: یک حصه از ۲۴ ساعت شبانه‌روز که عبارت از یک ساعت باشد. تسو یک چهارم دانگ را گویند و دانگ سدس دنیا را سمت پس تسو برابر ۱ بیست و چهارم دینار می‌شود.

جدول شماره ۲: مواردی که پس از نیمه شعبان ۷۱۵ هجری تعیین شده و باید از حاصل موقوفات جدید پرداخت شود.

موارد مصرف	وجه نقدی دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه من	صفحات وقفنامه
جهت مرتزقه مدرسه: مدرسان، معیدان، متعلمان و مرتب	۱۹۰۰	۱۲۸	۴۶۰۸۰	۲۱۸
جهت مرتزقه دارالشفاء: مدرس، معید، متعلمان، حراح	۷۲۰	۱۸	۶۴۸۰	۲۱۸
جهت مرتزقه شیخ و متصوفه	۳۰۰	۱۱	۳۹۶۰	۲۱۸
جهت عمه دارالکتب: خازن و تناول	۲۷۰	۳۰	۱۰۸۰۰	۲۱۸
جهت اطعام مجاوران و وظیفه حوایج دار	۱۶۷۰	۳۸	۱۳۶۸۰	۲۱۸

جدول شماره ۳: موارد مصرفی که بعد از تحریر اصل وقفیه تعیین شده است

موارد مصرف موقوفات	وجه نقدی دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه من	صفحات وقفنامه
مرسومات مرتزقه و عمه سه مسجد کوچک شهرستار و وجه کابحتاج روشنایی آن، فرش و غیره	۷۳۰	۳۰	۱۰۹۵۰	۲۱۸
مصالح تدریس مصفات	۸۳۰	—	—	۲۱۸
وظیفه و مرسومات دربانان شهرستان جهت چهارنفر	۱۶۰	هر کدام ۲	۲۹۲۰	۲۱۸
صدقه شب‌های آدینه ۵۱ شب	هر شب ۲۰ = ۱۰۲۰	هر شب ۴۰	۵۱ شب ۲۰۴۰	۲۱۸

چنانچه ملاحظه می‌شود بخشی از مخارج ربع رشیدی به صورت غیرنقدی (نان گندمین) بوده. بنابراین برای محاسبه دقیق کل مخارج آن باید به محاسبه دقیق نان پرداخته شود متأسفانه به قیمت نان در وقفنامه شماره نشده است اما جدیداً هافمن در کتاب نهاد وقف در دوره مغول با استفاده از

کتاب سعادت نامه ملک علایی تبریزی که از منابع اقتصادی دوره ایلخانی است براساس محاسباتی که انجام داده مخارج ربع رشیدی را ۱۱ تومان برآورد کرده است.

در این جا سوالی که پیش می آید این است که مخارج ربع رشیدی چگونه تامین می شد و خواجه رشید الدین هزینه این موسسه را از کجا تامین می کرده است. درباره سوال اول باید گفت منابع درآمد ربع رشیدی عبارت بود از:

الف) فروش مازاد محصولات کشاورزی و نهال درختانی که در ربع رشیدی کاشته شده بود.

جدول شماره ۴: جدول تولیدات کشاورزی ربع رشیدی (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۲۵۱؛ همو، ۱۳۵۸، ۱۸-

۱۷۹؛ مستوفی، ۱۳۶۲، ۷۷)

محل	نوع محصول	میزان
تبریز	سیب	۲۹۰۰۰ من
تبریز	انگور	۳۷۰۰۰ من
تبریز	امرود	۶۰۰۰ من
تبریز	سفرجل	۵۰۰۵ من
تبریز	خرزهره	۱۰۰۰ جریب
تبریز	آلو	۱۰۰۰ من
تبریز	قیسی حلوانیه	۱۵۰۰ من
تبریز	تخم احمد	۱۰۰۰ من
تبریز، فتح آباد، مختاران، رشید آباد	مویز	۴۰۰۰ من
تبریز، فتح آباد، مختاران، رشید آباد	آب غوره	۵۰۰ من
تبریز، فتح آباد، مختاران، رشید آباد	آب کامه رقیق	۵۰۰ من

خواجه رشیدالدین به کشاورزی توجه خاص داشت. به این منظور آبراههایی در ربع رشیدی ایجاد کرده بود و چون ربع رشیدی سطح زمینهای منطقه بالاتر بود و جاری کردن آب در آن از طریق حفر قنات میسر نبود، بنابراین در بخش شمال منطقه که تپه‌های سرخاب قرار داشت با ایجاد آبراهه در آنجا آب «سراورود» را که بی مصرف بود به سوی ربع رشیدی تغییر مسیر داده و از طریق چند جوی در تمام سطح شهرک آب جاری ساخت. (کاشانی، ۱۳۴۸، ۱۱۶)

خواجه اطلاعات جغرافیایی و کشاورزی زیادی داشت که از لابه‌لای کتاب آثار و احیاء را می‌توان به این امر پی برد. در مورد بعضی گیاهان اطلاعاتی می‌دهد که نشان‌دهنده آگاهی وسیع و عمیق وی نسبت باغداری و وصیفی کاری است، آگاهی وی بیشتر در مورد گیاهانی است که خود او از سرزمین‌های گوناگون به تبریز آورده و کشت کرده است. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۲۱۳؛ همو، ۱۳۶۸، ۴۹-۵۳)

ب) از دیگر منابع درآمد ربع رشیدی فروش زمین‌های اطراف ربع رشیدی به کارکنان آن بود. آنان موظف بودند بهای زمین را به دیوان وقف واریز کنند. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۸۱)

ج) رهن کتب کتابخانه ربع رشیدی (همان، ۱۵ و ۱۹۸)

د) اجرتی که از مردم در مقابل استفاده از آب‌های روان جهت هدایت به داخل باغ‌ها و خانه‌های آنان گرفته می‌شد. هدف خواجه رشیدالدین از ایجاد سیستم آبیاری، تامین آب مورد نیاز حمام رشیدی، کارگاه کاغذسازی واقع در محل ششکلان نیز بود. البته مردم نیز از آن بهره‌مند می‌شدند به طوری که خواجه آبراه‌هایی نیز از میان شهر تبریز جاری کرده و در مناطق مختلف شهر چاه‌ها، سقایه‌ها و چشمه‌هایی احداث کرده بود که مردم به وسیله کوزه و سبو آب آشامیدنی مورد نیاز خود را تهیه می‌کردند. حوض‌های سنگی جهت آب دادن چارپایان نیز در نظر گرفته شده بود. پس از تامین آب برای مصارف عمومی شهرستان رشیدی، در قبال آبی که برای مصارف شخصی مردم به داخل باغ‌ها و خانه‌های آن‌ها هدایت می‌شد وجهی از آنان گرفته می‌شد. (همان، ۲۳۶-۲۱۷)

اما در مورد عواید و درآمدهای خواجه رشیدالدین بهترین مأخذ جهت اطلاع از اموال وی مکاتبات رشیدی و وقفنامه ربع رشیدی است در نامه شماره ۳۷ مکاتبات رشیدی که در واقع وصیت‌نامه وی تلقی می‌شود، خواجه فهرست اموال خود را آورده است. (ستوده، ۱۳۵۰، ۱۶۶-۱۳۶) به‌طور اجمال عواید و درآمدهای خواجه عبارت بود از:

۱- املاکی که سیورغال و عطیه پادشاه نواحی مختلف بوده است. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۸،

۲- احیای زمین‌های موات: بخشی از زمین‌های خواجه از طریق احیای اراضی موات به دست آمده بود. چنانچه در نامه‌ای به مردم خوزستان می‌نویسد: «اهواز در سابق ولایت وسیع و آبادی بود که بر اثر پیامدهایی روبه ویرانی نهاد و او مدت پنج سال با بذل مال آن‌را به منطقه آبادانی تبدیل کرده است...» (همان، ۱۶۳)

۳- از راه خرید و انتقال شرعی که بیشتر املاک وی از این طریق به دست آمده است. (همان، ۱۶۲)

۴- از طریق دیوانی کردن املاک - خواجه رشید الدین بعد از مرگ شرف الدین مظفر در سال ۷۱۳ هجری تمام اموال وی را مصادره کرد. (جعفری، ۱۳۳۸، ۳۱)

۵- حق التحریر: در بخش‌هایی از مکاتبات رشیدی از حق التحریر سخن به میان آمده است به عنوان نمونه «هر سال به رسم حق التحریر از مدارک و حکام خوزستان عطریاتی مانند صندل و غیره دریافت می‌کرده است. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۸، ۱۸۲-۱۷۶)

۶- حق التولیت اوقاف غازان

۷- بنا به نوشته اولجایتو ثلث محصول بغداد، تبریز، تیول، مال خواتین و رشوه‌ای که وی از

عمال و رعایا دریافت می‌کرد. (کاشانی، ۱۳۴۸، ۱۹۶)

۸- از راه تجارت و اجاره احشام

۹- بابت تالیف جامع التواریخ درباره میزان وجه دریافتی خواجه رشید الدین بابت تالیف جامع التواریخ الصفدی به نقل از شمس الدین اصفهانی گزارش می‌دهد که خواجه جهت این کار یک میلیون دینار دریافت کرد و با این پول اموال و املاکی خرید که ارزش آن سه برابر پولی بود که پرداخت کرده بود. (الصفدی، ۱۴۱۸، ۴/۱۰)

نحوه پرداخت دستمزد کارکنان ریع رشیدی:

خواجه رشید الدین نحوه پرداخت دستمزد کارکنان ریع رشیدی را به صورت سالانه تعیین کرده بود، اما پرداخت آن به طور ماهانه بود، در پایان هر ماه حقوق هر یک از کارکنان را در پاکتی

مخصوص گذاشته و نام هر کدام آن‌ها را روی پاکت نوشته و در سینی توسط مرتب یا داعی به کارکنان داده می‌شد. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۸۴)

جدول شماره ۵: دستمزد کارکنان روضه

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنسی (نان) گندمین (روزانه من)	وجه جنس (نان) گندمین (سالانه من)
۱	امام جماعت که خطیب نیز باشد	۱۲۰	۶	۲۱۶۰
۱	واعظ	۶۰	۵	۱۸۰۰
۱۰	مؤذن برای ایام عید و جمعه	هر کدام ۵=۵۰	هر کدام ۱=۱۰	۳۶۰۰
۲	مؤذن ثابت	۹۰	۴	۱۰۴۴
۱	قیم	۳۶	۲	۷۲۰
۲	فراش	هر کدام ۳۰=۶۰	هر کدام ۲=۴	۱۴۴۰
۲	بواب	هر کدام ۳۰=۶۰	هر کدام ۲=۴	۱۴۴۰
۱	مشعلدار	۳۰	۲	۷۲۰
۱	سقا	۵۰	۲	۷۲۰

جدول شماره ۶: دستمزد کارکنان خانقاه

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۱	شیخ که امامت بر داشته باشد	۱۵۰	۱۰	۳۶۰۰
۵	متصرفه	هر کدام ۳۰=۱۵۰	هر کدام ۳=۱۵	۵۴۰۰
۵۵	متصرفه	۱۵۰	۱۵	۵۴۰۰
۱	خازن	۳۰	۲	۷۲۰
۱	فراش	۳۰	۲	۷۲۰
۱	حادم	۴۰	۲	۷۲۰
۱	سقا	۵۰	۲	۷۲۰
۱	مشعلدار	۳۰	۲	۷۲۰

جدول شماره ۷: حقوق بگیران بیت‌التعلیم

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۱	مدرس تفسیر و حدیث	۱۵۰	۱۰	۳۶۰۰
۱	مدرس سایر علوم	۳۶۰	۱۰	۳۶۰۰
۱	معید	۱۶۰	۶	۲۱۶۰
۱۵	معید سایر علوم	۲۰۰۵	۶۵	۲۱۶۰۵
۱۵	معید علم تفسیر و حدیث	۱۰۰۵	۴۵	۱۴۴۰۵
۲	مرتب	۶۰	۲	۷۲۰
۱	اتابک	۶۰	۲	۷۲۰
۲	طالب علم تفسیر و حدیث	هر کدام ۶۰=۳۰	هر کدام ۶=۳	۲۱۶۰
۳۵	طالب علم تفسیر و حدیث	هر کدام ۹۰=۳۰	هر کدام ۹=۳	۳۲۴۰
۱۰	طالب سایر علوم	هر کدام ۳۰=۳۰	هر کدام ۳=۳	۱۰۸۰۰
۱۰۵	طالب سایر علوم	هر کدام ۳۰۰=۳۰۵	هر کدام ۳۰=۳۵	۱۰۸۰۰۵

جدول شماره ۸: دستمزد کارکنان قبه^۱

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۱	کلیددار	۳۰۰	۴	۱۴۴۰
۲۴	حفاظ قرآن	هر کدام ۵۰-۱۲۰۰	هر کدام ۷۲=۳	۲۵۹۲۰
۱	فراش	۱۰۰	۲	۷۲۰

۱. داده‌هایی که با علامت * مشخص شده تصحیحات خواجه رشید الدین در سال ۷۱۵ هجری است که افزوده شده است.

جدول شماره ۹: دستمزد کارکنان دارالشفاء

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۱	طیب و مدرس علم طب	۳۳۰	۱۰	۳۶۰۰
۱	کمال	۱۰۰	۵	۱۸۰۰
۲	متعلمان علم طب	۶۰=۳۰ هر کدام	هر کدام ۳=۶	۲۱۶۰
۳۵	متعلمان علم طب	۹۰=۳۰ هر کدام	هر کدام ۳=۹	۳۲۴۰
۱۵	معید	۱۰۰	۴۵	۱۴۴۰
۱	شرابدار	۴۰	۴	۱۴۴۰
۲	خادم که قیم نیز باشند	۶۰=۳۰ هر کدام	هر کدام ۲=۴	۱۴۴۰
۱	خازن	۳۰	۳	۱۰۸۰
۱	مطحی	۳۰	۲	۷۲۰
۱	فراش	۳۰	۲	۷۲۰
۱	سقا	۵۰	۲	۷۲۰
۱	بواب	۳۰	۲	۷۲۰

جدول شماره ۱۰: دستمزد کارکنان دارالضیافه

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۲	مطحی	۶۰=۳۰ هر کدام	هر کدام ۱=۲	۷۲۰
۱	سقا	۵۰	۲	۷۲۰
۲	فراش	۶۰=۳۰ هر کدام	هر کدام ۲=۴	۱۴۴۰
۱	مشعلدار	۳۰	۲	۷۲۰
۱	بواب	۳۰	۲	۷۲۰
۱	خادم	۳۰	۲	۷۲۰

۱. علت کم دادن نان آن‌ها بنا به گفته خواجه رشید الدین: «چون هر دو ایشان بر سر طعام آش و نان خوردند، بنابراین نان آن‌ها کم داده شود، و قفنامه ربع رشیدی، ص ۲۲۳.

جدول شماره ۱۱: دستمزد کارکنان بیت‌التعلیم یا کتابخانه

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۱	حازن	۳۰	۳	۱۰۸۰
۱	مناول	۳۰	۲	۷۲۰

جدول شماره ۱۲: دستمزد کارکنان دارالمساکین

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۱	مرتب	۳۰	۲	۷۲۰
۱	مطبخی	۱۰	۲	۷۲۰
۱	کمک آشپز	۱۰	۲	۷۲۰
۱	بواب	۱۰	۲	۷۲۰

جدول شماره ۱۳: دستمزد سایر جماعت

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۱	اسفهلار	۴۰	۳	۱۰۸۰
۹	سرهنگان	هر کدام ۳۰=۲۷۰	۳	۹۷۰۰
۳	بیکان	هر کدام ۵=۱۵۰	هر کدام ۲=۶	۲۱۶۰
۱	مقدم غلامان که در رشید آباد مشغولند	۱۰۰	۲	۷۲۰
۱	معمار الاصل	۵۰	۲	۷۲۰
۱	معلدار باب الابواب که داخل ربع رشیدی نیست	۲۰	۲	۷۲۰

جدول شماره ۱۴: دستمزد غلامان

تعداد	عنوان	وجه نقدی سالانه دینار	وجه جنس (نان گندمین) روزانه، من	وجه جنس (نان گندمین) سالانه، من
۲۰	غلام ترک	—	هر کدام ۳=۶۰	۲۱۶۰۰
۱۴۹	غلامان قزوینی، رومی، هندی، زنگی، گرچی... و غیر از یک نفر مقدم غلامان	—	هر کدام ۲=۲۹۸	۱۰۷۲۸۰
۳۰	سایر غلامان از اقوام دیگر	—	—	۳۰ جریب ^۱

دستمزد متولی، مشرف و ناظر یا (هیات مدیره ربیع رشیدی) خواجه رشید الدین سهم آنان را به ترتیب زیر تعیین کرده است.

- ۱- عشر نیمه در آمد ربیع رشیدی با یک بیستم تمام محصول باقی مانده، لازم به تذکر است که آن نیمه دیگر سهم اولاد خواجه رشید الدین بوده است.
- ۲- نیم عشر یک بیستم نیمه سهم اولاد، که جمعاً عشر و نیم کل محصول باقی مانده می شده است (جمعاً سه چهارم، دهم یا $7/5\%$ تمام محصول)
- ۳- عشر باقیمانده محصول موقوفاتی که قبلاً وقف کره بود به علاوه این سه نفر معمولاً از اولاد خواجه رشید الدین بوده اند سهمی هم از نیمه اولاد نصییشان می شده است. خلاصه این مقادیر $7/5\%$ کل محصول موقوفات به اضافه یک دهم محصول موقوفات دیگر خواجه) بین متولی و مشرف و ناظر به ترتیب به نسبت یک دوم، یک سوم، یک ششم تقسیم می شده است. (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶، ۱۲۶-۱۲۵) بنابراین بالاترین میزان دریافتی به فرزندان خواجه رشید الدین اختصاص داشت و پس از آن‌ها مدرس علوم عقلی با ۳۶۰ دینار بیشترین حقوق را دریافت می کردند.

۱. حریب دارای دو معنی است: الف) واحد گنهایش وزن: در فرهنگ‌های مختلف مانند آندراج، فرهنگ نظام، غیث اللغات چنین استنباط می شود که هر حریب معادل ۴۵ کیلوگرم است ب) جریب، واحد اندازه گیری مساحت ارضی. مقدار رومینی را گویند که مساحت آن به اندازه کشت یک حریب موزون (واحد وزن) از بذر باشد، هر حریب معادل یک هکتار می باشد. دیانت، فرهنگ سبجش‌ها و ارزش‌ها، دیل وازگان.

در بخش جنس پرداخت‌های ربع رشیدی، نکته قابل توجه این است که خواجه رشیدالدین به استثنای جدول شماره ۳ در محاسبه نان سالانه هر سال را به‌جای ۲۶۵ روز ۳۶۰ روز در نظر گرفته است. از نظر مقدار سهمیه روزانه اقشار مختلف از کارکنان ربع رشیدی تفاوت بسیاری وجود داشته است. اشخاصی که دستمزد بهتری دریافت می‌کردند مانند طیب، مدرسان، شیخ خانقاه روزانه ۱۰ من نان دریافت می‌کرد و کسانی که دستمزد متوسطی دریافت می‌کردند از جمله معیدان، امام جماعت، کلیددار، واعظ ۴-۶ من نان دریافت می‌کردند. متعلمان، متصوفه نیز مانند خدمه و غلامان ۲-۳ من دریافت می‌کردند. کمترین نان را ایتام و آشپز امن دریافت می‌کردند.

درباره ۵۰ نفر از ۲۲۰ غلام وقفی، هیچ کدام وجه نقدی دریافت نمی‌کردند، برای ۲۰ نفر غلامی که مشغول کارهای ساده در موقوفه بودند فقط سهمیه نان روزانه و سالانه در نظر گرفته می‌شد. اما ۳۰ نفر از غلامان که کهریزکن بودند سهمیه نان روزانه دریافت نمی‌کردند و تنها سالانه یک جریب گندم در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شد. (همان، ۱۵۵) شاید موقوفه مسؤول تامین تغذیه و خوراک آن‌ها بوده و بنابراین وجهی در اختیار آنان قرار داده نمی‌شد.

خواجه رشیدالدین با تاسیس ربع رشیدی از یک طرف با کشت محصولات محصولاتی که قبلاً در تبریز کشت نمی‌شد از جمله نارنج، ترنج، ... (همان، ۲۱۳؛ همو، ۱۳۶۸، ۵۳-۴۹) و احیای زمین‌های بایر، ایجاد قنات در منطقه جهت آبیاری زمین‌های زیر کشت و سیستم آبرسانی از طرف دیگر توانست به رونق اقتصادی و کشاورزی منطقه آذربایجان کمک کند و تاحدودی در بخشی از منطقه ایران به ترمیم اثرات حمله مغول برآید. شایان ذکر است که خواجه با تأسیس این مجتمع اقدامات اجتماعی و فرهنگی بسیار مهمی نیز انجام داد.

نتیجه

حمله مغول به ایران با اثرات مثبت و منفی همراه بود. با وجود خونریزی و قتل و غارت تأثیرات فرهنگی و اجتماعی کمتری داشت، به ویژه با استقرار دولت ایلخانان در ایران به فرهنگ نیز توجه شد که آن‌را مدیون تلاش و از خودگذشتگی دیوانسالاران ایران چون عظاملک جوینی، خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی هستیم.

خواجه رشید الدین با تاسیس ربع رشیدی که شامل بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود درصدد ترمیم ویرانی‌ها و اثرات جانبی حمله مغول به ایران بود. وی با حمایت از افرادی بی‌بضاعت درصدد فقرزدایی در جامعه برآمد و از سویی با احیای زمین‌های بایر در رونق کشاورزی کشور تلاش کرد. ایجاد دو باغ فتح آباد و رشید آباد نشان‌گر اقدام موفق او در امر احیای زمین‌های بایر جهت کشاورزی بود. همچنین توسعه و کشت بسیاری از محصولات که قبلاً در تبریز کشت نمی‌شد از جمله ترنج و نارنج، ... که توسط خواجه به شهر آورده شد. از جمله تلاش‌های وی در امر کشاورزی بود از طرفی وی با ایجاد قنات در منطقه جهت آبیاری زمین‌های زیر کشت و سیستم آبرسانی به شهرستان رشیدی و تبریز علاوه بر رونق کشاورزی، از نظر بهداشتی نیز به وضع مردم و کارکنان ربع رشیدی توجه داشت. البته نتایج حاصل از اقدامات خواجه رشید الدین در منطقه آذربایجان بود، اما می‌توانست الگوی مناسبی برای تعمیم در سایر مناطق ایران باشد.

منابع و مأخذ

- ابن بزاز اردبیلی، درویش توکلی بن اسمعیل، (۱۳۷۳)، *صفوه الصفا*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، نشر مصحح.
- ابن فوطی، کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق ابن احمد، (۱۳۷۴)، *مجمع الاداب فی معجم القاب*، به کوشش محمد الکاظم، تهران، موسسه الطباعة و النشر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اوحدی مراغه‌ای، (۱۳۰۷)، *جام جم*، ارمغان، ضمیمه سال هشتم، چاپخانه فردوسی.
- بروشکی، محمد مهدی، (۱۳۶۵)، *بررسی روشی اداری و آموزشی ربع رشیدی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، (۱۳۳۸)، *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله، (۱۳۱۷)، *ذیل جامع التواریخ رشیدی*، به کوشش خانابا بیانی، تهران، شرکت تضامنی علمی.

حشری تبریزی، محمد امین، (۱۳۷۱)، *روضه اظهار و مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع آن*، به کوشش عزیز دولت آبادی، تبریز، نشر ستوده.

الحموی، شهاب الدین ابی عبدالله یا قوت بن عبدالله، (۱۴۰۸ ق)، *معجم البلدان*، بیروت، دار بیروت.

خوافی، احمد بن جلال الدین محمد، (۱۳۴۱)، *مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، مشهد، انتشارات طوس*.

دیانت، ابوالحسن، (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، تبریز، انتشارات نیما*.

زریاب خویی، (۱۳۵۰)، *سه نکته درباره رشید الدین فضل الله، مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، تهران، دانشگاه تهران*.

ستوده، حسینقلی، (۱۳۵۰)، «*عواید و درآمد‌های خواجه رشید الدین فضل الله*»، مجموعه *خطابه‌های تحقیقی، تهران، دانشگاه تهران*.

سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۷۲)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی*.

شاردن، (۱۳۷۴)، *سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، انتشارات طوس*.

شیرازی، فضل الله بن عبدالله، (۱۲۶۹ ق)، (*وصاف الحضرة*) *تجزیه الامصار و ترجیه الاعصار*، به کوشش محمد مهدی اصفهانی، بمبئی.

الصفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، (۱۴۱۸ ق)، *اعیان العصور و اعوان النصر*، به کوشش علی ابوزید، رنبیل ابوعمشه، محمد موعد و محمود سالم محمد، دمشق و بیروت، دارالفکر المعاصر.

فضل الله همدانی، خواجه رشید الدین، (۱۳۵۸)، *سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و اسناد*.

فضل الله همدانی، خواجه رشید الدین، (۱۳۷۳)، *جامع التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز*.

فضل الله همدانی، خواجه رشید الدین، (۱۳۵۷)، *لطایف الحقایق، به کوشش غلامرضا طاهر، تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*.

فضل الله همدانی، خواجه رشید الدین، (۱۳۵۶)، *وقفنامه ربع رشیدی*، چاپ حروفی، به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی، تهران، انتشارات آثار ملی.

کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، (۱۳۴۸)، *تاریخ اولجاتیو*، به کوشش مهین همبلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کلاویخو، (۱۳۷۴)، *سفرنامه*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

مارکوپولو، (۱۳۶۳)، *سفرنامه مارکوپولو*، ترجمه سید منصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو، بی‌جا، انتشارات گویش.

مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۲)، *نرمة القلوب*، به کوشش گای لسترانج، تهران، دنیای کتاب.

منشی کرمانی، ناصرالدین، (بی‌تا)، *نسانم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ وزراء*، به کوشش میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

نادر میرزا، (۱۳۶۰)، *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*، به کوشش محمد مشیری، تهران، انتشارات اقبال.

نوابی، ماهیار، «یک سند کهن»، *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*، ش ۵.